



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در این بود که فقهاء ما فرمودند: "المسلمون يتوارثون و إن اختلفوا في المذاهب" و برای مسلمان بودن شهادتین را کافی و مسلمانان را یک ملت واحده دانستند. امام رضوان الله عليه در تحریر الوسيلة چند طائفه مثل خوارج و نواصب و غلاة را از این حکم خارج دانستند.

اینکه ما می گوئیم مسلمانان ملت واحده هستند یک بحث قرآنی، کلامی، فقهی، روایی و تاریخی می باشد، قرآن کریم سعی می کند با این بیان مطلب را تفهیم کند که مسلمانان باید باهم ارتباط و اُلفت و وحدت داشته باشند، در سوره حجرات اینطور ذکر شده که: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۚ فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾<sup>۱</sup> و این دلیل بر این است که قرآن کریم برای مسلمانان یک قدرتی قائل شده که صلح و عدالت و امنیت و آرامش را بین مسلمین اجراء کند و در آیه بعدی اینطور فرموده: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾<sup>۲</sup>، آیت الله طباطبائی در تفسیر این آیه می فرماید دو نوع برادری داریم؛ یک برادری طبیعی که هر دو از یک پدر و مادر متولد شده اند و یک برادری اعتباری داریم که شارع مقدس اعتباراً دو نفر را به عنوان برادر به هم پیوند داده و در اینجا مراد همین دومی می باشد و هدف برقراری اُلفت و التیام و اخوت و اتحاد می باشد.

در سوره انفال اینطور ذکر شده: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِعَصْمِهِمْ أَوْلِيَاءَ بَعْضٌ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾<sup>۳</sup>، ضمیر "تفعلوه" به تناصر و اتحاد بر می گردد و این یک هشدار مهم از طرف قرآن برای مسلمانان می باشد یعنی اگر مسلمانان باهم تناصر و اتحاد نداشته باشند در کل زمین فتنه و فساد بوجود خواهد آمد و آیت الله طباطبائی می فرماید الان چنین وحدتی نیست و ما فتنه و فساد را می بینیم بنابراین بحث وحدت و اتحاد مسلمین یک بحث قرآنی مهم می باشد.

خب و اما بحث روایی، ما روایات فراوانی داریم که دلالت دارند بر اینکه مسلمانان باید با هم متحد باشند و به هم بدی نکنند و همیشه به هم خوبی کنند که ما نمی توانیم به سادگی از کنار این روایات بگذریم، در اصول کافی در کتاب ایمان و کفر چندین باب در این رابطه منعقد شده که بسیاری از این روایات به عنوان حقوق مسلمانان نسبت به هم ذکر شده اند که خب این روایات برای مردم بیان نشده و در فقه ما نیز چون از مستحبات شمرده شده اند توجهی به آنها نشده که در نتیجه بین مسلمین اختلافات زیادی ایجاد شده و خصوصاً در زمان ما در بین فرق مختلف آن فرقه ای که شدیداً با شیعه و حتی با تمام مسلمین مخالف است وهابیت می باشد که در حال حاضر دشمنان اسلام نیز تلاش می کنند که وهابیت را در مقابل فرق اسلامی خصوصاً شیعه قرار بدهند و تقویت کنند لذا ما وهابیت را مورد بررسی قرار می دهیم.

علامه امینی رحمه الله عليه در الغدير بحثی را در مورد ابن تیمیه مطرح کرده، ابن تیمیه با علامه حلی هم عصر بوده، علامه حلی زحمات زیادی کشید و سلطان خدا بنده را شیعه کرد لذا کلاً شیعه تقویت شد و ایشان همیشه مراقب بود که سلطان خدا بنده دوباره سنی نشود، علامه حلی کتب فراوانی در دفاع از شیعه تالیف کرده من جمله "الفین" و

<sup>۱</sup> سوره حجرات، آیه ۹.

<sup>۲</sup> سوره حجرات، آیه ۱۰.

<sup>۳</sup> سوره انفال، آیه ۷۳.

خب و اما علامه امینی در مورد منہاج السنۃ و ابن تیمیہ نیز اینطور می فرماید: «منہاج السنۃ: إذا أردت أن تنظر إلى كتاب سمي بضد معناه فانظر إلى هذا الكتاب الذي استعير له اسم منہاج السنۃ وهو الحری بأن یسمى، منہاج البدعة.

وهو كتاب حشوه ضلالات وأكاذيب و تحکلمات، وإنكار المسلمات، وتكفير المسلمين، وأخذ بناصر المبدعين، ونصب وعداء محتدم على أهل بيت الوحي عليهم السلام، فليس فيه إلا تدجيل محض، وتمويه على الحقائق، وتحريف الكلم عن مواضعه، وقول بالبذاء، ورمي بالمقذعات، وقذف بالفواحش، وتحكك بالوقیعة، وتحرش بالسباب وإليك نماذج منها:

۱: قال: من حماقات الشيعة أنهم يكرهون التكلم بلفظ العشرة أو فعل شيء يكون عشرة حتى في البناء لا يبنون على عشرة أعمدة ولا بعشرة جذوع ونحو ذلك، لبغضهم العشرة المبشرة إلا علي بن أبي طالب، ومن العجب أنهم يوالون لفظ التسعة وهم يبغضون التسعة من العشرة. ج ۱ ص ۹. ... إلى آخر كلامه الشريف.»

ابن تیمیہ مطالب فراوانی بر علیه شیعه دارد که علامه امینی یک به یک بیان می کند و از همه آنها جواب می دهد که مراجعه و مطالعه بفرمائید. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
مُحَمَّد و آله الطاهرين

"نحج الحق" و "منہاج الكرامة"، وقتی کتاب منہاج الكرامة تمام شد آن را بردند و به ابن تیمیہ دادند و او نیز کتاب منہاج السنۃ را با هتاک و بی ادبی در ردّ منہاج الكرامة نوشت مثلاً علامه ابن مطهر است ولی ابن تیمیہ به ایشان می گوید ابن خبیث! و تعبیری همراه با لعن و نسبتهای دروغ و امثال ذلك در مورد علامه و دارد، خلاصه چونکه کتابش بر خلاف کتب سنی و شیعه بود مردم حمله کردند و ابن تیمیہ را به زندان انداختند و در زندان مرد، بعدها شخصی بنام مُجَدِّد بن عبدالوهاب ظهور کرد و کتب ابن تیمیہ را احیاء کرد و عده ای نیز دور او را گرفتند و حمایتش کردند تا اینکه مسلک وهابیت را ایجاد و تقویت کرد و اینها یک مصیبت بزرگی برای عالم اسلام می باشند و الان پول و قدرت و تبلیغات فراوانی دارند و با همین پولشان توانسته اند آمریکا و صهیونیسم را با خودشان همراه کنند و اینها به قدری با شیعه دشمنی دارند که کشتن ما را واجب می دانند و مال و ناموس ما را برای خودشان حلال می دانند، حالا برای اینکه به عمق مطلب پی ببرید مقداری از کلام علامه امینی در الغدير درباره وهابیت را می خوانیم، ایشان دو کتاب را ذکر می کند که شیعه را خیلی کوبیده اند، کلام علامه امینی رحمه الله علیه این است: «العقد الفريد: قد يحسب القارئ لأول وهلة أنه كتاب أدب لا كتاب مذهب، فيرى فيه نوعاً من النزاهة، غير أنه متى أنهى سيره إلى مناسبات المذهب تجد مؤلفه ذلك المهوس المهملج، ذلك الأفاك الأثيم، قال ۱ ص ۲۶۹:

۱: الرافضة يهود هذه الأمة يبغضون الاسلام كما يبغض اليهود النصرانية... إلى آخر كلامه الشريف.»<sup>۴</sup>. علامه حدوداً ۴۰ مورد از حرفهائی که در عقد الفريد در مورد شیعه زده شده را بیان کرده و بعد جواب داده که مراجعه و مطالعه بفرمائید.

<sup>۴</sup> الغدير، علامه امینی، ج ۳، ص ۷۸.